

چشم انداز جنگ اوکراین از نگاه بلومبرگ

به گزارش صدای تجارت، ما در چیزی شبیه به یک جنگ سرد جدید به سر می‌بریم. ما قبلاً نیز مشکل تورم داشتیم. جنگ اوکراین چیزی شبیه حمله کشورهای عربی به اسرائیل در سال ۱۹۷۳ یا حمله شوروی به افغانستان در سال ۱۹۷۹ است. تأثیر اقتصادی جنگ بر قیمت انرژی و مواد غذایی هشدار تورم جهانی را گوشزد می‌کند.

بلومبرگ نوشت: اکثر درگیری‌ها به سرعت پایان می‌یابند، اما این یکی به نظر می‌رسد که اینطور نخواهد شد. پیامدهای این جنگ می‌تواند از تورم جهانی تا جنگ جهانی سوم متغیر باشد.

در ادامه این مطلب آمده است: بدترین سناریو را در نظر بگیرید.

من قبلاً در اینجا استدلال کرده‌ام که وضعیت جهانی امروز بیش از هر دوره دیگری یادآور دهه ۱۹۷۰ است. ما در چیزی شبیه به یک جنگ سرد جدید به سر می‌بریم. ما قبلاً نیز مشکل تورم داشتیم. جنگ اوکراین چیزی شبیه حمله کشورهای عربی به اسرائیل در سال ۱۹۷۳ یا حمله شوروی به افغانستان در سال ۱۹۷۹ است. تأثیر اقتصادی جنگ بر قیمت انرژی و مواد غذایی هشدار تورم جهانی را گوشزد می‌کند.

شرایط کنونی اوکراین بسیار بهتر از شرایط لهستان در سال ۱۹۳۹ است. سلاح‌های غربی در حال رسیدن به اوکراین هستند. این سلاح‌ها پس از حمله آلمان نازی به لهستان، به ورشو نرسیدند. اوکراین فقط با تهدید روسیه مواجه است در حالی که لهستان بین هیتلر و استالین تقسیم شد.

ایالات متحده و متحدانش نه فقط یک بحران بلکه باید سه بحران ژئوپلیتیک را در نظر بگیرند که همگی می‌توانند به سرعت اتفاق بیفتند، همانطور که در جنگ ژاپن علیه چین و پس از آن جنگ هیتلر علیه اروپای غربی در سال ۱۹۴۰ رخ داد و همینطور جنگ ژاپن با آمریکا و امپراتوری‌های اروپایی در آسیا در سال ۱۹۴۱. اگر چین در سال آینده به تایوان حمله کند و جنگی بین ایران و دشمنان منطقه‌ای که به طور فزاینده‌ای با یکدیگر همسو شده‌اند - کشورهای عربی و اسرائیل - آغاز شود، آن زمان است که می‌توانیم درباره جنگ جهانی سوم صحبت کنیم.

آخرین باری که در کیف بودم، با استیون پینکر روانشناس دانشگاه هاروارد شرط بندی کردم. شرط من این بود که "تا 31 دسامبر 2029، یک جنگ متعارف یا هسته ای حداقل یک میلیون نفر را قربانی خواهد کرد." من مشتاقانه امیدوارم که شرط را ببازم. اما عصبانیت من یک اضطراب غیرمنطقی نبوده و نیست. همانطور که در کیف نشسته بودم و در مورد نیت احتمالی ولادیمیر پوتین و آسیب پذیری اوکراین فکر می کردم، می توانستم شاهد وقوع جنگ باشم.

در سال 2012، من و پینکر در مورد اینکه آیا جهان در حال صلح آمیزتر شدن است یا خیر بحث کرده ایم، به طور دقیق، آیا روند معناداری برای کمتر شدن خطر جنگ وجود داشته است؟

پینکر ادعایی دوگانه دارد. اول، از حدود سال 1945 یک "صلح طولانی" بین قدرت های بزرگ وجود داشته است که به طور قابل توجهی در تضاد با درگیری های قبلی قدرت های بزرگ است. دوم، یک «صلح جدید» نیز وجود دارد که با «جنگ، نسلکشی و تروریسم» مخالف است و از زمان پایان جنگ سرد به طور ناگهانی آغاز شده و ادامه یافته است.

به طور خلاصه، پینکر استدلال می کند که «کاهش قابل توجهی در میزان خشونت اتفاق افتاده است که ناشی از شرایط سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک است. او پیش بینی می کند که «احتمال وقوع یک دوره خشونت آمیز بزرگ در دهه آینده با احتساب 100 هزار کشته در سال یا یک میلیون مرگ، در کل 9.7 درصد است.» البته من معتقدم که شانس آن بالاتر از این رقم است.

حتی اگر بپذیریم که جهان از سال 1950 کمتر پذیرای جنگ های بزرگ شده است، اما آمار نمیتواند تضمینی برای ادامه این روند ارائه کند. این حقیقت عمیق و گیج کننده برای اولین بار توسط یک دانشمند انگلیسی که بیش از 140 سال پیش متولد شد، بیان شد.

لوئیس فرای ریچاردسون به عنوان یک فیزیکدان، بیشتر دوران حرفه ای خود را صرف کار بر روی هواشناسی کرد. تحقیقات او در مورد جنگ در طول زندگی خود ناشناخته ماند. تنها در سال 1960، یعنی هفت سال پس از مرگ او، برای دو کتابش با عنوان «اسلحه و ناامنی» و «آمار نزاع های مرگبار» ناشر پیدا شد.

ریچاردسون «نزاع مرگبار» را اینگونه تعریف کرد: «هر نزاعی که

باعث مرگ انسان شود»، نه تنها جنگ، بلکه «قتل، راهزنی و شورش». او تمام تلفات درگیری های مرگبار را به صورت لگاریتمی با پایه 10 تنظیم کرد تا درگیری های مرگبار را در مقیاس ریشتر به دست آورد.

در تحلیل او از همه «نزاع های مرگبار» بین سال های 1820 و 1950، تنها جنگ های جهانی بودند که به بزرگی 7 ریشتر رسیدند. این جنگ ها سه پنجم کل مرگ و میر نمونه های او را تشکیل می دادند.

جهان پس از جنگ جهانی دوم نسبت به نیمه اول قرن بیستم یا قرن نوزدهم خشونت کمتری داشته اما یک دوره طولانی صلح لزوماً دلیلی بر تغییر احتمال جنگ های بزرگ نیست. احتمال یک جنگ بسیار بزرگ به بزرگی جنگ جهانی دوم کماکان ثابت است.

برای بررسی ابعاد جنگ روسیه و اوکراین، معتقدم که نتیجه این جنگ به پاسخ به سوالات زیر بستگی دارد:

1. آیا روس ها موفق می شوند کیف و ولودیمیر زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین را در عرض دو، سه یا چهار هفته در دست بگیرند؟

پاسخ، "هرگز" است. اگرچه ممکن است کرملین به طور موقت برخی از نیروهای خود را از اطراف کیف خارج کرده باشد، اما اکنون تردیدی وجود ندارد که تغییری در برنامه صورت گرفته است. در یک جلسه توجیهی در 25 مارس، ژنرال های روسی ادعا کردند که هرگز قصد آنها تصرف کیف یا خارکف نبوده است و هدف از حملات در آنجا فقط منحرف کردن و تحقیر نیروهای اوکراینی بوده است. هدف واقعی روسیه به دست آوردن کنترل کامل بر منطقه دونباس در شرق کشور بوده و هست.

چیزی که می خواهیم بدانیم این است که آیا ارتش پوتین می تواند به هدف محدودتر یعنی محاصره نیروهای اوکراینی در دونباس و شاید تأمین یک «پل زمینی» از روسیه به کریمه در امتداد ساحل دریای آزوف دست یابد یا خیر. تنها چیزی که می توان با قطعیت گفت این است که این روند نسبتاً کند و خونین خواهد بود، همانطور که نبرد وحشیانه ماریوپل به وضوح نشان داده است.

2. آیا تحریم روسیه انقباض اقتصادی شدیدی در این کشور ایجاد می کند که پوتین را از دستیابی به پیروزی باز دارد؟

اقتصاد روسیه مطمئناً از محدودیتهای غربی ضربه سختی خورده است،

اما من همچنان بر این عقیده هستم که برای پایان دادن به جنگ به این کشور ضربه سختی وارد نشده است. تا زمانی که دولت آلمان در برابر تحریم صادرات نفت روسیه مقاومت می کند، پوتین همچنان ارز کافی برای حفظ اقتصاد جنگی خود به دست می آورد. بهترین شاهد این ادعا، بهبود قابل توجه نرخ برابری روبل با دلار است. قبل از جنگ یک دلار 81 روبل خرید و فروش می شد. پس از جنگ، این نرخ به 140 کاهش پیدا کرد. روز پنجشنبه این نرخ به 81 بازگشت که نشان دهنده ترکیبی از پرداخت های خارجی برای نفت و گاز و کنترل سرمایه روسیه بود.

3. آیا ترکیبی از بحران نظامی و اقتصادی باعث کودتا علیه پوتین می شود؟

همانطور که دو هفته پیش مطرح کردم، دولت بایدن روی تغییر رژیم در مسکو شرط بندی کرده است. نه تنها دولت ایالات متحده پوتین را جنایتکار جنگی معرفی کرده بلکه اقداماتی را برای محاکمه جنایتکاران روسی در نظر گرفته است. جو بایدن یکشنبه گذشته در پایان سخنرانی خود در ورشو 9 کلمه برای کتاب های تاریخ بیان کرد: "به خاطر خدا، این مرد نمی تواند در قدرت بماند." من شکی ندارم که هدف ایالات متحده و حداقل برخی از متحدان اروپایی آن خلاص شدن از شر پوتین است.

4. آیا برکناری پوتین از قدرت، او را به اقدامات ناامیدکننده مثلاً تهدید هسته ای سوق می دهد؟

5. این سوال بسیار مهمی است. به نظر می رسد بایدن و مشاورانش مطمئن هستند که ترکیبی از فرسایش در اوکراین و تحریم های روسیه باعث ایجاد یک بحران سیاسی در مسکو خواهد شد که مشابه بحرانی است که اتحاد جماهیر شوروی را در 31 سال پیش فلج کرد. اما پوتین مانند مستبدان خاورمیانه نیست که در طول جنگ عراق و بهار عربی از قدرت کنار برود. او در حال حاضر دارای سلاح های کشتار جمعی، از جمله بزرگترین زرادخانه کلاهک های هسته ای در جهان و همچنین سلاح های شیمیایی و بیولوژیک است.

به نظر می رسد کسانی که پیروزی زودهنگام اوکراین در این جنگ را اعلام می کنند فراموش کرده اند که هر چه اوضاع برای روسیه در جنگ های متعارف بدتر باشد، احتمال استفاده پوتین از سلاح های شیمیایی و هسته ای کوچک افزایش می یابد. به خاطر بسپارید که هدف او از اتفاقات سال 2014 اوکراین این

بود که یک دموکراسی پایدار غربگرا در این کشور شکل نگیرد و از ادغام اوکراین در نهادهای غربی مانند سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و اتحادیه اروپا جلوگیری کند. اگر او به این نتیجه برسد که هدف ایالات متحده و متحدانش سرنگونی اوست احتمال تشدید درگیری بیشتر خواهد شد.

کسانی که خطر جنگ جهانی سوم را نادیده می گیرند، به این واقعیت تلخ توجه نمی کنند که در جنگ سرد، این ناتو بود که نمی توانست به پیروزی در جنگ با اتحاد جماهیر شوروی امیدوار باشد. به همین دلیل بود که سلاحهای هسته‌ای تاکتیکی را در اختیار داشت تا در صورت لشکرکشی به اروپای غربی، علیه ارتش سرخ استفاده کند. امروز روسیه هیچ شانس در جنگ متعارف با ناتو نخواهد داشت. به همین دلیل است که پوتین سلاحهای هسته‌ای تاکتیکی آماده پرتاب در پاسخ به حمله غرب به روسیه را دارد. کرملین نیز قبلاً اعلام کرده که چنین حمله‌ای در حال انجام است.

در 21 فوریه، نیکولای پاتروشف، دبیر شورای امنیت روسیه، اظهار داشت که ایالات متحده در اسناد دکترین خود روسیه را دشمن می خواند و هدف آن چیزی جز فروپاشی فدراسیون روسیه نیست. پوتین در 16 مارس اعلام کرد که غرب در حال انجام جنگی با ابزارهای اقتصادی، سیاسی و اطلاعاتی با ماهیت فراگیر و آشکار است.

سرگئی لاوروف وزیر امور خارجه روسیه نیز گفت: «یک جنگ ترکیبی واقعی، جنگی تمام عیار علیه ما اعلام شد. هدف آن ویران کردن، شکستن، نابود کردن، فلج کردن اقتصاد و کل روسیه است.»

5. آیا چینی ها پوتین را به شرط موافقت با صلح سازشی سرپا نگه خواهند داشت؟

کاملاً واضح است که دولت چین در کنار روسیه خواهد بود، اما تا جایی که تحریمهای ایالات متحده برای مؤسسات چینی که با نهادهای روسی معامله می کنند، مشکل ساز نشود. من دیگر انتظار ندارم چین نقش میانجی صلح را بازی کند. نشست مجازی روز جمعه بین رهبران اتحادیه اروپا و چین این نظر را تایید کرد.

جهان با مشکل جدی تورم مواجه است. هر چه این جنگ بیشتر ادامه یابد، خطر رکود تورمی آشکار (تورم بالا با رشد اقتصادی کم یا منفی) جدی‌تر می‌شود. این مشکل در کشورهایی که برای انرژی و غلات و کود به اوکراین و روسیه متکی هستند، شدیدتر خواهد بود. هر کس معتقد است که این پیامدهای اجتماعی و سیاسی نامطلوب نخواهد داشت، از تاریخ چیزی نمی‌داند.

با توجه به اینکه روسیه حتی برای دستیابی به یک پیروزی محدود در اوکراین با مشکل مواجه است، بعید به نظر می‌رسد پوتین وارد درگیری گسترده‌تر شود. بنابراین آتش‌بس، مثلاً طی پنج هفته - در اوایل ماه مه - محتمل بنظر می‌رسد، زیرا تا آن زمان روس‌ها یا به محاصره نیروهای اوکراینی در دونباس خواهند رسید یا شکست خواهند خورد. در هر صورت، آنها باید به سربازان خود استراحت بدهند. روند سربازگیری و جایگزینی‌های آموزشی در حال انجام است، اما ماه‌ها طول می‌کشد تا نیروهای جدید برای نبرد آماده شوند.

با این حال، رسیدن به صلح بسیار بیشتر طول می‌کشد. با گذشت هر روز از مقاومت اوکراین، به نظر می‌رسد مواضع سخت‌تر شده است، به ویژه در مورد مسائل سرزمینی (نه تنها وضعیت آینده دونتسک و لوهانسک، بلکه وضعیت کریمه را نیز دربرمی‌گیرد).

امیدوارم شرطم را با استیون پینکر ببازم. امیدوارم جنگ در اوکراین به زودی پایان یابد. امیدوارم پوتین به زودی برود. امیدوارم هیچ درگیری وجود نداشته باشد. مهم‌تر از همه، امیدوارم در هیچ یک از نقاط درگیر در جهان، از سلاح‌های هسته‌ای استفاده نشود.

جنایتکار جنگی نامیدن پوتین و برکناری او از قدرت، خطر استفاده از سلاح‌های شیمیایی یا هسته‌ای در اوکراین را افزایش می‌دهد و اگر در قرن بیست و یکم یک بار از سلاح‌های هسته‌ای استفاده شود، ترس استفاده دوباره از آن وجود خواهد داشت. پیامد آشکار جنگ در اوکراین این است که بسیاری از کشورها در سراسر جهان به دنبال سلاح‌های هسته‌ای خود خواهند بود. بنظر می‌رسد دوران عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای به

پایان رسیده است.

انتخاب